

# سالگرد ضد انقلاب!



## احمد وحدت خواه

روزی که محمد رضا شاه فقید صدای انقلاب را شنید حتی به ذهن او نیز خطری نمی کرد که ۳۱ سال آژگار پس از آن پیام تاریخی، نظام حاکم بر کشوری که او با چشمانی گریان آن را به سوی غربت و تنهایی ترک کرد در تمامی ابعاد سیاسی و اجتماعی خود به چنان درجه ای از فساد و جنایت و استبداد رسیده باشد که اگر به عقب گرداندن زمان امکان پذیر بود او امروز حرف آن روز خود را با غرور و افتخار پس می گرفت!

روزی که محمد رضا شاه فقید صدای انقلاب را شنید حتی به ذهن او نیز خطری نمی کرد که ۳۱ سال آژگار پس از آن پیام تاریخی، نظام حاکم بر کشوری که او با چشمانی گریان آن را به سوی غربت و تنهایی ترک کرد در

اگر شش سال پیش هم انتظار از آن پدر برای دادن پاسخی صادقانه پیهوده به نظری رسید، جوان مزبور دیگر امروز در بستر جنبش سبز نسل خود باید به این نتیجه قطعی رسیده باشد که انقلابی که پدر او و نسل همزاد او آفریدند، حتی اگر آن را خالی از هر توطئه و تبهانی و دخالت خارجی و دشمنی تاریخی همسایگان و پیامدهای جنگ سرد و تنش کارتل های نفتی و ارتجاع مذهبی و ووو بدانیم و آن را برای دستیابی به آزادی و استقلال معرفی کنیم، روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در حقیقت ضد انقلاب در ایران به پیروزی رسید!

بارها و بارها از زبان بسیاری از سران رژیم جمهوری اسلامی شنیده ایم جنبش آزادیخواهانه ای که به سقوط نظام سلطنتی انجامید در ادامه یک

## روزی که شاه فقید "صدای انقلاب" را شنید



داشتن دومین بزرگترین ذخایر نفت و گاز در جهان شب را گرسنه سر بر زمین می گذارند اما شرف خود را حفظ کرده اند.

انقلابیون واقعی صدها هزار دانشجوی قهرمان میهن ما هستند که فریاد های مرگ بر دیکتاتور آنها سهند و سیلان را در نور دیده و الهام بخش میلیونها نوجوان و دانشجوی دیگر در جهان گشته است.

انقلابی واقعی ما آن روحانی پاک نهادی است که به ولی فقیه و دستگاه جبار و سرکوبگر او نه گفته است و دین را نه دکان تزویر و زور بلکه ماوای دلهای خسته و شکسته همنوع خود می داند.

انقلابیون راستین ما آن مادران داغدار نداها و سهرابها هستند که چاقو کشان بسپیدی فدایی رهبر شنبه ها به تجمع اشکبار آنها در پارک لاله حمله ور می شوند و پیراما شیر زنان ما را راهی بیمارستان ها می سازند.

انقلابیون ما آن کودکان خردسال و گریانی هستند که همراه مادران

مذهبی آن پدر و پسر باتلاش ملی و همبستگی خود میهن نوبنی را ساختند که هنوز مستبدین حاکم بر آن امروز از باقیمانده نوان و نیروی اجتماعی و علمی و فرهنگی آن به سود بقای منحوس خود بهره می برند.

انقلاب واقعی در ایران را آن سپاهی دانش و بهداشتی انجام داده است که در توشه کوچک خود برای روستاییان دلپاک و رنج دیده ما سواد و تندرستی به ارمان می برد، نه آن سپاهی تاریک اندیشی که امروز در تبهانی یا مانیای روسی و چین، برای حفظ ثروت های باد آورده بر روی هم میهن خود آتش می کشاید و فریاد نسل جوان برای آزادی را فتنه می خواند.

انقلابی واقعی میلیونها کارگر و کشاورز و اقشار زحمتکش ایرانی هستند که در فقر و فلاکت حاصله از سیاست های خانمان برانداز اقتصادی و تحریم آور مشتکی دلان



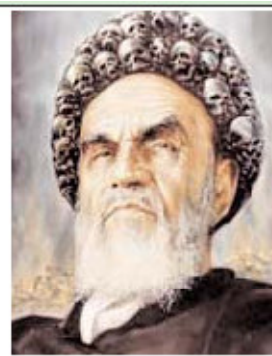
بی بهره از دانش و آوده به افکار مالیخولیایی عصر حجر در کشوری با

صد سال مبرزه ملت ایران برای دموکراسی و حکومت قانون بوده است. این گفته تنها بخشی از واقعیت را بیان می کند. بخش بزرگتر و مهمتر این واقعیت آن است که در تمامی این مبارزات یک صد سال گذشته ملت ایران، به ویژه در انقلاب مشروطیت، ریشه کن کردن تفکرات ارتجاع مذهبی، جدایی دین از دولت، تکنیک قوا،



عدالت اجتماعی، پایان دادن به دوران تعیین سرنوشت ملت به دست یک فرد، برابری زنان و مردان، آموزش و پرورش نوین و علمی، حفظ منافع ملی و... بنیادها و اهداف واقعی این مبارزات را تا به امروز تشکیل می داده اند. آرمان ها و آرزوهایی که از همان فردای ۲۲ بهمن ۵۷ لگد مال خمینی و جانشینان او بوده اند.

انقلابیون واقعی ایران هزاران هزار زنان و مردان تحصیل کرده و پدرو مادران ایرانی زحمتکش ما بوده اند که حتی در دوران به زعم ارتجاعیون



تمامی ابعاد سیاسی و اجتماعی خود به چنان درجه ای از فساد و جنایت و استبداد رسیده باشد که اگر به عقب گرداندن زمان امکان پذیر بود او امروز حرف آن روز خود را با غرور و افتخار پس می گرفت!

سالیان پیش خبرنگار روزنامه انگلیسی گاردین که برای پوشش مراسم ۲۵ مین سالگرد انقلاب اسلامی در تهران به سر می برد برای مصاحبه ای به دیدار مدیر و مسئول موزه زیر ساختمان میدان آزادی (شهباد) رفته بود. این مدیر ظاهرا حزب الهی برای او تعریف کرده بود که فرزند جوان او به علت دسترسی مرکز زیر نظارت پدرش به فیلمهای جشنهای دو هزار و پانصد ساله و مستند های زندگی مردم ایران در سالهای حکومت پهلوی دوم همه آنها را با اشتیاق در موزه مربوطه و حتی در خانه خودشان به طور خصوصی نگاه کرده بود و در گفتگویی خودمانی از پدرش پرسیده بود: پدر، مردم ایران برای چه در ۲۲ بهمن انقلاب کردند؟

مبارز خود در پشت دیوارهای اوین و گوهردشت و ... با شمع در یک دست و عکس پدر اسیر خود در دیگر دستشان برای آزادی آنها سرو سینه های معصوم خود را سیر ضربات نیروهای اهریمنی رژیم می سازند.

این ها انقلابیون واقعی میهن ما هستند که در روز ۲۲ بهمن امسال می توانند خود را صاحبان و وارثان اصیل این یک صد سال مبارزه خونین و جانفشانیهای سترگ در ره به دست آوردن آزادی خود به جهانیان معرفی کنند، نه سرکوبگران آنها که به دروغین و ادعای نمایندگی خدا بر این میراث گرانبها جنگ انداخته اند.

آبراهام لینکلن نماد مبارزه برای برابری حقوق انسانها و انقلابی واقعی زمانی گفته بود در جنگ داخلی آمریکا هر دو لشکر متخاصم انقلابیون آزادیخواه و ستمگران مستبد مدعی بودند خداوند آنها را تا روز پیروزی بر دشمنانشان در پناه خود دارد و آنها نباید از بیم شکست پیکار خود را متوقف کنند. ولی تا چائیکه من یادم بود و پیامبران به ما آموخته بودند خداوند در تبرد میان خیر و شر فقط می تواند یکی از آنها همسویی کند و نمی تواند همزمان بر علیه خود بجنگد!